



Legal Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran in Food Security Cases with Regard to Green Criminology

Masoumeh Rezapour Parshkoochi¹, Amrullah Nikomanesh^{*2}, Abbas Samavati³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Imam Khomeini Memorial Branch, Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Imam Khomeini Memorial Branch, Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 547-563

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-5216-673X

TELL: +989127664323

Email: a_nikoomanesh@yahoo.com

Article history:

Received: 25 Sep 2022

Revised: 02 Nov 2022

Accepted: 16 Jan 2023

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Criminal Policy, Food Security, Green Criminology, Criminalization.

ABSTRACT

Food security is one of the most important issues in the life of human societies, which has various aspects. The importance of this issue is so much that some behaviors that threaten food security have been criminalized by the legislators. Iran's legislature is no exception to this rule and has criminalized behaviors that threaten food security in various laws. In the present study, which was compiled by descriptive-analytical method, it will be seen that the issue of food security has been taken into consideration, from superior documents such as the constitution and development plans to ordinary laws. The criminal policy that Iran's legislature has adopted for behaviors that threaten food security is in some cases in the form of preventive policy and in some cases in the form of reactive policy. In other words, the Iranian legislature has not adopted a single policy in relation to the criminal policy regarding behaviors that threaten food security.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Rezapour Parshkoochi, M; Nikomanesh, A & Samavati, A (2023). "Legal Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran in Food Security Cases with Regard to Green Criminology". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 547-563.



مقدمه

جرم‌انگاری، یکی از مسائل مهم سیاست کیفری محسوب می‌شود که با استفاده از این ابزار، مقنن، با مدنظر قراردادن بایدها و نبایدهای تعیین‌کننده باورهای بنیادین اجتماع و همچنین رویکرد مقبول خود، اقدام به تصویب قانون درجهت ممنوعیت فعل یا ترک فعلی می‌نماید و برای آن مجازات وضع می‌نماید. پس می‌توان گفت جرم‌انگاری یک فرآیند واکنشی و مرحله آخر تقبیح یک اقدام در هر نظام حقوقی، سیاسی، اجتماعی محسوب می‌شود (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۱).

بدون شک درجهت استقرار عملی مفهوم امنیت غذایی در جامعه، وضع سیاست‌های کیفری متناسب، لازم و ضروری است. این سیاست‌ها هم در مرحله پیشگیری از جرم و هم پاسخ مناسب به آن و همچنین در مسأله فرهنگ‌سازی نقش پررنگی ایفا می‌کنند. خطرات احتمالی در این خصوص روزافزون و محسوس هستند. همچنین آثار نقض امنیت غذایی و حق بر غذا در جامعه، فوری و ملموس است که مردم و جامعه را دچار احساس ناامنی می‌کند. تبعات این امر، ایجاب می‌کند که بعضی مخاطره‌های مؤثر و ارتکاب تقصیر کیفری به‌صورت عمدی یا بعضاً غیرعمدی در حوزه تأمین غذا، به‌وسیله قانون‌گذار، جرم‌انگاری شوند. وجود مجازات، سبب ایجاد بازدارندگی در ارتکاب این‌گونه اعمال است. بنابراین سیاست‌گذاری جنایی در همه ابعاد و ورود و مداخله تأثیرگذار حقوق کیفری به‌عنوان ابزار حاکمیتی در مواقع لازم، در تحقق امنیت غذایی پایدار نقش مهمی دارد. به‌همین دلیل جلوه‌های عمده جرم‌انگاری در رابطه با رفتار ناقض حق بر غذا و امنیت غذایی در نظام تقنینی ایران شناسایی و بررسی خواهد شد. عمده سیاست کیفری ایران در این حوزه، حسب ادوار مختلف قانون‌گذاری، در قالب جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی انجام شده است. این امر با دقت در مؤلفه‌های حق بر غذا و ارکان امنیت غذایی به‌خصوص دسترسی به غذا صورت گرفته است. قوانین مذکور سبب وجود فهرست غیرمنسجم و بلندبالایی از قوانین خاص شده‌اند که همگی مصداق رویکردهای پیشروی یا پسروی سیاست کیفری هستند. پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد، این

است که سیاست جنایی ایران در قبال رفتارهای تهدیدکننده امنیت غذایی چگونه است؟ مقنن در کشور ما با هدف حمایت کیفری از حق بر غذا و تهدید بالقوه ناقضان این حق، دست به جرم‌انگاری برخی رفتارهای تهدیدکننده زده است. جرم‌انگاری مذکور با ایجاد محدودیت‌هایی در حقوق و آزادی‌های افراد صورت پذیرفته است. رفتارهای تهدیدکننده جرم‌انگاری شده در قوانین ایران را می‌توان مبتنی بر اجزای حق بر غذا تقسیم‌بندی نمود. این اجزا عبارتند از فراهم‌بودن یا تأمین غذای کافی، قابلیت دسترسی اقتصادی و فیزیکی، قابل استفاده و سالم‌بودن و ثبات غذا و دسترسی به آن در هر زمان.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله همتی و همکاران تحت عنوان «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم تهدیدکننده امنیت غذایی با رویکرد پیشگیرانه» اشاره کنیم. از نظر نویسندگان، پاسخ‌های غیرکیفری مورد بحث، زیرساخت‌های لازم را ندارند تا بتوانند هدف پیشگیری را عملی کنند. پاسخ‌های کیفری نیز به اندازه کافی منسجم نیستند. به این ترتیب لازم است قانونی خاص با عنوان «جرایم تهدیدکننده امنیت غذایی» وجود داشته باشد که تمامی رفتارهای تهدیدکننده امنیت غذایی را در نظر بگیرد. همچنین در این خصوص دادرسی ویژه محسوس نیز باید وجود داشته باشد. در پژوهش‌های موجود، تمرکز بر اسناد بین‌المللی بوده و مواضع قانون‌گذار ایرانی تحلیل نشده است. همچنین مفهوم جرم‌شناسی سبز مورد توجه قرار نگرفته است که همین امر نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۱- مفهوم جرم‌شناسی سبز

مسأله حفظ محیط زیست و چالش‌هایی که انسان با تخریب و تغییر آن به‌وجود آورده است، تأثیری مستقیم بر روی زندگی انسان و سایر جانداران دارد؛ به‌همین دلیل، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در سطح جهان دغدغه‌های بسیاری برای اندیشمندان علوم مختلف، ایجاد نموده است. در حوزه جرم‌شناسی، اندیشمندان، قسمتی از پژوهش‌های خود را به بحث محیط زیست اختصاص داده‌اند. این پژوهش‌ها، ذیل عنوانی جدید به نام جرم‌شناسی سبز مورد انجام شده‌اند. از

حمایت‌مدار مطلوب و بخردانه به‌وجود بیاید. در همین راستا ضروری است قوانین ایران در حوزه جرم‌شناسی سبز مورد بازنگری قرار گیرد (شاملو، ۱۳۹۶: ۶۷).

اسناد بین‌المللی تعریف واضحی برای جرم سبز ارائه نداده‌اند، اما توصیفاتی پراکنده در این خصوص وجود دارد که در ادامه بیان می‌شوند. مایکل لینچ و پل استرتسکی جرم سبز را دارای دو تعریف اعلام کرده‌اند: مورد نخست براساس نقض قوانین زیست‌محیطی بوده و تأثیرات نژادی، جنسیتی و قدرتی را نادیده می‌گیرد، تعریف مذکور تعریف شرکتی از جرم سبز نام دارد؛ در مورد دوم، جرم سبز به شکلی عملی تعریف شده است، در این تعریف نقض قوانین موجود زیست‌محیطی معیار نمی‌باشد، یعنی عملی ممکن است جرم سبز محسوب گردد بی‌آنکه ناقض قوانین موجود باشد، مطابق این تعریف جرم سبز عملی است که منجر به نتایج و پیامدهای زیست‌محیطی شود. نتایجی که می‌توان به اعمال انسانی منتسب نمود. این تعریف نابرابری‌های نژادی، طبقه‌ای و جنسیتی و تأثیر موارد مذکور بر ساختار اجتماعی قوانین زیست‌محیطی را نیز مورد توجه قرار داده است. همچنین تعریف دیگری درخصوص جرم سبز وجود دارد که بیان می‌دارد بزه سبز، فعل یا ترک فعلی است که منجر به آسیب محیط زیست شود. مطلب قابل ذکر دیگر قاعده‌ای مشهور است که شرایط تحقق جرایم سبز فرامیزی را بیان نموده است. اگر جرم سبزی در مرز داخلی کشوری رخ دهد و آلودگی ایجاد شده توسط آن در سطح جهانی و بین‌المللی نفوذ پیدا کند، جرم سبز فرامیزی رخ داده است. منظور از آلودگی مذکور انواع آلودگی‌های آب، هوا و زمین و رفتارهایی است که زندگی حیوانات را تخریب کرده و به آن آسیب می‌رساند (دانش‌ناری، ۱۳۹۲: ۸۸).

۱-۱- مفهوم عدالت در چارچوب جرم‌شناسی سبز

جرم زیست‌محیطی تخطی از قوانین زیست‌محیطی مدنی، جزایی و نظارتی است که هدف از وضع آن‌ها، حفاظت از سلامتی، ایمنی و بقای انسان‌ها، منابع طبیعی و اکوسیستم‌هاست (بریسمن و ساوث، ۱۳۹۸: ۶۹). جرم‌شناسی سبز نیز می‌کوشد با شناسایی این جرایم از وقوع آن‌ها پیشگیری کرده و چالش‌های مربوط به آن را حل کند.

منظر جرم‌شناسان سبز، تعداد زیادی از معیارها و مآخذی که پیش‌تر به‌منظور جرم‌انگاری خسارات زیست‌محیطی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، اکنون قادر به مصون نگاه‌داشتن ارزش‌های اساسی محیط زیست نیستند. به‌همین دلیل، چالش‌های حوزه محیط زیست شدت یافته است. جرائم زیست‌محیطی یکی از حوزه‌هایی است که در آن، چالش‌های محیط زیست نمایان می‌گردند. جرائم حوزه محیط زیست هر عمل آسیب‌زا برای محیط زیست را دربر می‌گیرد. این دسته از جرائم اوصاف و ماهیت متفاوتی دارند. به‌همین دلیل، جرم‌شناسان، آن‌ها را ذیل عنوانی جدید، به‌نام جرم‌شناسی سبز یا جرم‌شناسی زیست بررسی می‌نمایند. این شاخه مطالعاتی، کمتر از ۳۰ سال است که مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین اهداف این رشته، شناسایی دقیق جرائم حوزه محیط زیست درجهت پیشگیری از جرم‌های زیست‌محیطی و حل چالش‌های مربوطه است. متخصصین این حوزه، درخصوص تعریف جرم‌شناسی سبز، اختلاف نظر دارند، اما به‌طور کلی، می‌توان ماهیت آن را، بررسی خسارات و جرم‌های زیست‌محیطی با رویکرد جرم‌شناختی دانست. مطالعه درخصوص جرم‌ها و خسارات زیست‌محیطی متضررین از جرم و نحوه برخورد با مجرمین این حوزه، مواردی هستند که درخصوص آن‌ها اتفاق نظر وجود دارد. اگر بخواهیم ماهیت جرم‌شناسی سبز را به‌صورت نظری‌تر بررسی کنیم، باید بگوییم این رشته، به تحقیق درخصوص شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که منتهی به جرائم زیست‌محیطی می‌گردد، می‌پردازد (بریسمن و ساوث، ۱۳۹۸: ۶۶).

درخصوص کشور ایران باید گفت، علیرغم اینکه در فضای حقوق داخلی ایران، چارچوب حمایتی جامعی از حقوق محیط زیست به‌صورت قانونی تعریف نشده است، لکن می‌توان رویکرد حاکم بر نظام حقوق کیفری ایران را، نظریه طبیعت‌محور دانست که با مبنای قرارگرفتن آن، می‌توان دو دسته جانداران و بی‌جانان را به‌عنوان بزه‌دیده به رسمیت شناخت. بنابراین سیستم کیفری ایران، هم اشخاص و هم طبیعت را به‌عنوان بزه‌دیده سبز شناسایی نموده است. فقدان انسجام لازم در نظام حقوقی ایران، سبب گردیده است که مشکلات زیادی برای ایجاد اعمال یک سیاست جنایی

اغلب تلاش عدالت زیست‌محیطی، تمایز ایجاد کردن میان دو مورد است: نخستین مورد موضوعات زیست‌محیطی مؤثر بر تمامی افراد در منطقه‌ای فرضی یا به شکلی کلی در پیرامون جهان می‌باشد؛ دومین مورد موضوعاتی با اثرگذاری نامتناسب بر افراد و گروه‌های مشخص در مکان‌های خاص است. همان‌طور که وایت اشاره می‌نماید گاه ممکن است قربانیان برابر باشند و مشکلی زیست‌محیطی همه را تهدید کند، مانند باران اسیدی یا تغییرات آب و هوایی که منشأ آن انسان‌ها هستند، هرچند در حالت برابری آشکار نیز برخی نسبت به دیگران موقعیت بهتری برای سازگاری دارند (Brisman *et al.*, 2018).

۱-۱-۲- عدالت گونه‌ای

دیدگاهی وجود دارد به این ترتیب که جانداران غیرانسان، بنابر ارزش‌های سودمندی خود، یعنی لذت حداکثری و درد حداقلی، حقوقی دارند. جرم‌شناسان سبز معتقد هستند که عدالت گونه‌ای بر دیدگاه مذکور تأکید می‌کند. ارزش اساسی، همان حق رفتار همراه با احترام است و سیستم اخلاقی مسئولیت‌پذیری توسط انسان‌ها، نگران گونه‌گرایی است (Lie & Sollund, 2017: 386-390; White, 2013). ایده پشت تبعیض علیه جانداران غیرانسان، پست‌شناختن آن‌ها نسبت به انسان‌هاست که به تبعیض جنسی و نژادی شبیه است (White, 2013: 16). گفتمان عدالت گونه‌ای، حیوان‌محور است و با یک جهت‌گیری بیوسنتریسم هدایت می‌گردد. معرفی حیوانات غیرانسان با عباراتی که حالتی ابزاری دارند، مانند غذا و یا اشاره کلی به آن‌ها با عبارت‌های زیرمجموعه مانند شیلات در این گفتمان نادرست شمرده می‌شود. این عدالت خواستار پایان‌بخشیدن به دیگرسازی حیوانات و انجام اعمال مشترک که منجر به آسیب عادت‌گونه و روزانه می‌شود، است (Lie & Sollund, 2017: 386-390). به‌طور کلی عدالت گونه‌ای به غیرانسان‌هایی که به‌عنوان قربانی متحمل آسیب می‌گردند، توجه می‌کند. این مفهوم می‌کوشد از حیوان‌کشی که تحت عناوین مختلف صورت می‌گیرد، جلوگیری کند، خصوصاً که این عمل و اقدامات ناهمگون انسان که موجب مرگ حیوانات می‌گردند، با اعطای عناوین مختلف پوشیده شده و ظاهری مورد مقبول

اگر بخواهیم به عدالت در جرم‌شناسی سبز اشاره کنیم، نخست باید بی‌عدالتی‌های موجود و بی‌عدالتی‌های احتمالی را بررسی کنیم. نخستین مورد درخصوص انسان‌ها و دسترسی آن‌ها به محیط زیست است. اینکه هر فرد باید به یک میزان به محیط زیست و منابع طبیعی دسترسی داشته باشد. همچنین آسیب‌رساندن یک فرد به محیط زیست بی‌عدالتی را برای سایرین به‌دنبال خواهد داشت؛ دومین حالت میان انسان و دیگر موجودات زنده است. تبعیض موجود میان آن‌ها در نهایت بی‌عدالتی را برای دیگر موجودات زنده به‌دنبال خواهد داشت و این به‌هم‌خوردن تعادل، آسیب محیط زیستی را منجر خواهد شد؛ در سومین حالت نیز باید موجودات غیرزنده را مدنظر قرار داد. جرم‌شناسی سبز با تکیه بر ارزش ذاتی محیط زیست، تمامی زیرمجموعه آن را محترم شمرده و بر ضرورت حفظ این مجموعه تأکید می‌کند. در نظرنگرفتن گونه‌های جانوری و موجودات غیرزنده، بی‌عدالتی‌ای است که جرم‌شناسی سبز می‌کوشد خلاف آن قدم بردارد.

۱-۱-۱- عدالت زیست‌محیطی

در دهه ۱۹۸۰ در آمریکا، عدالت زیست‌محیطی به‌عنوان مفهومی جدید طرح شد. این مفهوم به جنبشی اجتماعی در رابطه با توزیع عادلانه منافع و مسئولیت‌های زیست‌محیطی اشاره داشته و دسته‌ای میان‌رشته‌ای از آثار علوم اجتماعی به‌حساب می‌آید. در تعریف این عدالت باید به دو عبارت اشاره کرد: نخست توزیع محیط زیست با هدف به‌دست‌آوردن و استفاده منابع طبیعی خاص در محدوده‌های جغرافیای تعریف‌شده در میان مردم و دوم تأثیرات ایجادشده توسط تصمیم‌های سیاسی خاص، کنش‌های اجتماعی و مخاطرات زیست‌محیطی بر گروه‌های مختلف، یعنی در دسترس بودن منابع مورد نیاز و خواست انسان‌ها مانند آب سالم و تأثیرات نابرابر و نامتناسب بار مسئولیت‌های زیست‌محیطی ناخوشایند برای مثال آلودگی آب. موضوع عدالت زیست‌محیطی را باید انسان‌ها دانست که در مرکز بررسی قرار دارند. همچنین در اینجا پیوندی با زیست فلسفی و انسان‌محوری نیز مشاهده می‌شود (بریسمن و ساوت، ۱۳۹۸: ۷۶).

محیط زیست را به دنبال داشته است (مشهدی، ۱۳۹۳: ۵۶۰). آسیب‌های محیط زیستی علاوه بر تخریب محیط زیست، زندگی انسان‌ها را نیز با چالش روبه‌رو می‌کند (زارع‌مهدوی و دانش‌ناری، ۱۳۹۵: ۱۳).

جرایم زیست‌محیطی، جرایم بدون قربانی به‌شمار می‌آیند (Skinnider, 2013: 1). رویکرد بزه‌دیده‌شناسی سبز که در سال ۱۹۹۶ توسط کریستوفر ویلیامز برای نخستین بار طرح شد (Hall, 2011: 384)، اما نشانگر خلاف این امر است. این رویکرد، تلاش می‌کند گستره محدود حقوق کیفری در شناسایی بزه‌دیدگان سبز (Williams, 2009: 200) را بیان کند. همچنین می‌کوشد با نگاهی انتقادی و متفاوت از بزه‌دیده‌شناسی متعارف، به قربانیان جرایم زیست‌محیطی توجه کند. این رویکرد، گفتمانی فراتر از بزه‌دیده‌شناسی متعارف که همیشه انسان‌مدارانه پیش رفته و تنها انسان‌ها را بزه‌دیده دانسته است، می‌باشد. بزه‌دیده‌شناسی سبز علاوه بر انسان، درخصوص غیر از انسان نیز سخن می‌گوید که تا چند دهه پیش مورد غفلت جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی قرار گرفته بودند (Bisschop & Vande Walle, 2013: 34). دانش‌ناری و مرادفر، ۱۳۹۴: ۷۰).

بزه‌دیدگان سبز به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- اشخاص؛ ۲- طبیعت؛ ۳- نسل‌های آینده. نسل‌های آینده که بزه‌دیدگان بالقوه جرایم زیست‌محیطی هستند، به دلیل قصور، بی‌مبالایی و فعل و ترک فعل‌های نسل‌های قبل از خود آسیب می‌بینند (گرچی‌فرد، ۱۳۹۵: ۲۱۲). منظور از بزه‌دیده سبز، هر چیزی است که چیزی از ذات طبیعت باشد نه هر چیزی که در طبیعت وجود دارد. لازم به ذکر است که هوا، آب، خاک، جانوران، درختان، گیاهان و زمین اجزای طبیعت هستند. بنابراین اگرچه ممکن است جرایم زیست‌محیطی را مؤثر بر آنچه در این جهان مادی وجود دارد، بدانیم، اما آثار تاریخی تخریب‌شده توسط آلودگی هوا را نمی‌توان بزه‌دیده سبز دانست، چراکه آثار مذکور مصنوعات بشری هستند (شاملو و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰).

باتوجه به مقررات حاکم سیاست کیفری تقنینی ایران، بزه‌دیدگان سبز قابل تقسیم به دو دسته جاندار و بی‌جان

عام به خود می‌گیرند (Lie & Sollund, 2017: 389; Beirne, 2014: 50-67: بریسمن و ساوث، ۱۳۹۸: ۷۸-۷۷).

۱-۳- عدالت اکولوژیک

نقطه تمرکز عدالت اکولوژیک، ارتباط انسان‌ها با سایر جهان طبیعی می‌باشد، یعنی به سلامت بیوسفر و گیاهان و حیواناتی که در آن وجود دارد، می‌اندیشد. دیدگاه مذکور محیط زیست را دارای ارزش ذاتی به‌شمار می‌آورد. به این ترتیب معرفی سیاره‌ها یا حیوانات غیرانسانی با عبارت‌هایی که حالت ابزاری دارند را قابل قبول نمی‌داند. از نظر این نوع عدالت، تمام گونه‌ها محق هستند که دور از آزار و اذیت، سوءاستفاده و تخریب زیستگاه خود، زندگی کنند، درحالی‌که انسان‌محوری، انسان را برترین گونه می‌داند، محیط‌محوری موجود در عدالت اکولوژیک تفاوتی میان انسان و دیگر گونه‌ها قائل نمی‌شود. این دیدگاه انسان را قسمتی از اکوسیستم‌های پیچیده می‌داند که لازم است به‌خاطر خود آن‌ها محافظت گردد (White, 2013: 15). به بیان دیگر مسأله عدالت اکولوژیک، همبستگی حیات است، یعنی تمام موجودات زنده به یکدیگر وابسته هستند و مشکلات زیست‌محیطی موجود در طبیعت، در ذات خود فرامرزی بوده و جهانی می‌باشند (بریسمن و ساوث، ۱۳۹۸: ۷۸).

عدالت اکولوژیک و محیط‌محوری، از بسیاری جهات منطقه میانی عدالت زیست‌محیطی و انسان‌محوری و عدالت گونه‌ای و زیست‌محوری است. عدالت اکولوژیک بیشتر با تمرکز روی انسان‌ها سازگاری دارد، چراکه انسان می‌تواند هم‌زمان تخریب‌کننده و محافظت‌کننده ارزش‌ها باشد. درحقیقت انسان‌ها قادرند به سمت رنج خود و حیوانات و فرسایش اکوسیستم‌ها حرکت نمایند (White, 2013: 40-41; بریسمن و ساوث، ۱۳۹۸: ۷۹).

۱-۲- مفهوم بزه‌دیده در جرم‌شناسی سبز

حق بر محیط زیست سالم عضوی از نسل سوم حقوق بشر است که در قالب حق بر همبستگی توسط نظام بین‌المللی به آن توجه شده است. مسأله محیط زیست و منع آسیب به آن در نظام داخلی اغلب کشورها و در قوانین اساسی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این امر فرایند اساسی‌سازی حق بر

۲- سیاست جنایی و اقسام آن

برخی حقوق‌دانان سیاست جنایی را مجموع شیوه‌های سرکوبگری دولت که ابزار او در واکنش علیه جرم هستند، تعریف نموده‌اند (خسروی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵۳). در این تعریف سیاست جنایی و سیاست کیفری مترادف فرض شده‌اند. همچنین مسأله پیشگیری مغفول مانده و تنها تدابیر قهرآمیز دولت در نظر گرفته شده است. سیاست جنایی در نظر بعضی دیگر، اما سیاست و برنامه خاص درخصوص کنترل بزه‌کاری است که توسط سرکوب محض و یا همراه با اقدامات و تدابیر خاص پیشگیرانه از بزه‌کاری اعمال می‌شود (کوشا و دهقانی، ۱۳۹۶: ۹۰-۸۹).

سیاست جنایی به چهار نوع تقسیم می‌شود: نخست سیاست جنایی تقنینی که در عنوان بعد به تعریف آن خواهیم پرداخت؛ دوم سیاست جنایی قضایی که در آراء و تصمیمات قضات دادگستری مشاهده می‌شود، این سیاست توسط قوه قضاییه، به‌ویژه قضات دادگستری برای اجرای قانون و در جریان آن اعمال می‌شود (مندنی، ۱۳۹۳: ۷۴)؛ سوم سیاست جنایی اجرایی که شیوه برخورد قوه مجریه با مسأله انحراف و جرم است، این سیاست اعمال راهکارهای اساسی و مؤثر به‌جهت کاهش بزه‌کاری در جامعه است که توسط تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌های اجراشده به‌وسیله قوه مجریه جاری می‌گردد (کوشا و دهقانی، ۱۳۹۶: ۹۰-۸۹)؛ چهارمین نوع سیاست جنایی مشارکتی یا مردمی می‌باشد. از آنجا که انواع بزه‌کاری شایع شده و رشد پیدا کرده‌اند، همچنین ابزارهای نظام کیفری در این خصوص ناکارآمد هستند، لازم است تمام افراد جامعه در امر پیشگیری و مقابله با جرم، مشارکت و همکاری داشته باشند. سیاست جنایی مشارکتی، سیاست جنایی همراه با شرکت وسیع جامعه می‌باشد، به هدف اعتباربخشی بیشتر به سیاست جنایی که توسط قوای مجریه و مقننه تدوین شده است (کوشا و دهقانی، ۱۳۹۶: ۹۰؛ خسروی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵۴-۲۵۳).

۲-۱- سیاست جنایی تقنینی و اقسام آن

سیاست جنایی تقنینی، نتیجه تدبیر و به‌دنبال چاره‌اندیشیدن مقنن درخصوص جرم و پاسخ به آن است. از آنجا که سیاست

هستند. بزه‌دیدگان سبز جاندار شامل اشخاص، جانوران، درختان و گیاهان شده و منظور از بزه‌دیدگان سبز بی‌جان، هوا، آب، خاک و زمین است، هرچند هر دو دسته در نظام حقوقی ایران به‌عنوان بزه‌دیده سبز پذیرفته شده و رویکرد طبیعت‌محور در آن جاری است، اما در مسیر حمایت از آن‌ها، چالش‌هایی در این مقررات مشاهده می‌گردد که رفع آن‌ها ضروری است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷).

دولت‌ها در جهت اعمال اصل سیزدهم بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه، ريو-۱۹۹۲ که به تدوین قوانین ملی برای شناسایی قربانیان آلودگی محیط زیست اشاره می‌کند، مکلف به شناسایی بزه‌دیدگان سبز هستند. ضرورت این امر را علاوه بر بیانیه فوق می‌توان باتوجه به ویژگی‌های بزه‌دیدگان سبز نشان داد. جرایم متعارف به‌طور معمول، بزه‌دیدگان کم و معینی دارند، اما جرایم زیست‌محیطی قربانیان بسیار و متنوعی را درگیر می‌کنند. در جرایم متعارف انسان‌ها به‌عنوان بزه‌دیده معرفی می‌گردند، حال آنکه در جرایم زیست‌محیطی از این حیث که اکوسیستم پیوسته است، با ورود آسیب و تعرض به یک بخش، دیگر بخش‌ها نیز بزه‌دیده واقع می‌گردند (شاملو و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰). بزه‌دیدگان سبز به قلمروهای حاکمیتی کشورها محدود نبوده و دارای وسعت هستند. درحقیقت این بزه‌دیدگی را باید فرامرزی دانست. جنبه فرامرزی مذکور یا در خود جرم است، مانند انتقال غیرقانونی مواد پرتوزا و خطرناک (وایت، ۱۳۹۴: ۱۳) و یا در اثر جرم، مانند تغییرات آب و هوایی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای. بنابراین باید گفت مظاهر طبیعت متعلق به یک کشور خاص نیست و به‌دلیل تأثیر اجزای مختلف محیط زیست بر یکدیگر، با تعرض به یک بخش، دیگر اجزا نیز بزه‌دیده واقع می‌شوند. به‌این‌ترتیب جرایم زیست‌محیطی فرامرزی بر کیفیت آب، خاک و هوا تأثیر گذاشته، گونه‌ها را به خطر انداخته و منجر به تغییرات آب و هوایی می‌گردند (Walters, 2007: 108-205; Stretesky & Lynch, 2009: 450-473).

ریشه «حکر» است که ظلم، عسر و سوء معاشرت معنی دارد (اصغری، ۱۳۷۷: ۹۵). از لحاظ حقوقی، احتکار به این معنی است که فرد، کالایی که مورد احتیاج بوده و وجود آن در جامعه ضروری است، مازاد بر نیاز و مصرف شخصی نگاه دارد تا آن را مخفی ساخته و از ورود آن به بازار ممانعت به عمل آورد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۱۶). احتکار در معنای عام به معنای کم کردن یا راکد نمودن روند پخش کالا است که به صورت غیردائمی به وسیله عده‌ای از فروشندگان یا همه آن‌ها انجام می‌پذیرد. این عمل فروشندگان، با در نظر داشتن شرایط بازار خصوصاً تقاضای تحریک شده خریداران، به قصد افزودن قیمت و در نتیجه آن افزایش یافتن سود حاصل از فروش کالا، انجام می‌شود (صدر، ۱۳۶۲: ۷). جرم و تخلف احتکار مطابق قوانین موجود، نگهداری کالا به شکل عمده با تشخیص مرجع ذیصلاح و امتناع از عرضه به هدف گران فروشی و یا اضرار به جامعه، پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت، می‌باشد.

پیچیدگی تولید و مصرف کالا و خدمات در زمانه حاضر، نتیجه پیشرفت فناوری، صنعت و علوم و فنون است. مصرف، روز به روز بیشتر شده و به دنبال آن آسیب پذیری مصرف کننده نیز افزایش می‌یابد. بنابراین لازم است حقوق مصرف کننده در برابر تولیدکنندگان و عرضه کنندگان شناخته شده و مورد حمایت قرار گیرد. بی‌خبری مصرف کننده از فرایند تولید کالاها و ترکیبات آن‌ها و یا عوارض و خطرهای مصرف کالاها، مضر، تبلیغات دروغین تولیدکنندگان و به دور از انصاف بودن شرایط معامله‌ای که مصرف کننده انجام می‌دهد، احتمالاتی هستند که ممکن است برای مصرف کننده رخ داده و او را در معرض بی‌عدالتی و آسیب قرار دهد. این موضوع در کشورهای صنعتی شده موجب اهمیت داشتن حمایت از حقوق مصرف کنندگان در نظر دولت‌ها و هدف گذاری آن‌ها در این خصوص شده است. حمایت کیفری یکی از انواع حمایت از حقوق مصرف کنندگان است. حمایت کیفری به وسیله جرم انگاری و بازدارندگی حاصل از آن نیز از ابتدایی ترین انواع حمایت کیفری است. به نظر مهم ترین اقدام این نوع حمایت در خصوص حقوق مصرف کننده، قانون گذاری با هدف سامان بخشیدن به نظام تولید، توزیع و مصرف است. نتیجه

جنایی به نظام سیاسی و ایدئولوژیک هر کشور بستگی دارد، در حالت‌های مختلفی ظاهر می‌شود. بنابراین باید آن را سلیقه مقنن و انتخاب‌هایش بدانیم. اینکه او تصمیم می‌گیرد به چه شکلی در مقابل انواع جرایم بایستد، چه مجازات‌هایی تعیین کند و در حالت کلی به چه شیوه‌ای با پدیده مجرمانه مقابله کرده و جرایم را دادرسی نماید. سیاست جنایی تقنینی در قوانین مختلف، مانند قوانین کیفری شکلی و ماهوی جاری می‌گردد (عظیمی زاده و ریاضت، ۱۳۹۴: ۱۲). به بیان دیگر، این نوع سیاست جنایی، مجموعه‌ای است از راهکارهای مبارزه با بزه کاری که در قانون معکس شده و ضمانت اجرای قانونی در پی دارد. سیاست جنایی تقنینی علاوه بر صلاحیت قانونی، معیار و مبانی انواع دیگر سیاست‌های جنایی است. در حقیقت باید آن را بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه دانست. تأکید سیاست جنایی تقنینی، برخی اوقات بر عمل منحرفانه یا مجرمانه بوده و گاه توجه آن بر شخصیت مباشر و مرتکب است (عظیمی زاده و حسابی، ۱۳۹۰: ۱۲۰؛ خسروی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵۴-۲۵۳). این سیاست در راستای مبارزه مؤثر با جرایم، از دو رویکرد پیروی می‌کند: نخست مبارزه با جرایم به شیوه جرم انگاری و تعیین مجازات؛ دوم مبارزه از راه غیر کیفری و پیشگیری‌های اجتماعی و وضعی. بر همین اساس است که پیشگیری از جرم در سطح قوانین به رسمیت شناخته شده و حقوق پیشگیری از جرم به عنوان یک رشته در آمده است (مشکاتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۹۱-۲۹۰).

۳- مصادیق رفتارهای تهدیدکننده جرم انگاری شده در قوانین ایران

در این بخش رفتارهای تهدیدکننده که در قوانین ایران جرم انگاری شده‌اند، به تفکیک بیان خواهد شد.

۳-۱- جرم انگاری رفتارهای تهدیدکننده تأمین غذای کافی

برای حمایت از وجه تأمین غذای کافی در حق بر غذا، مقنن در حقوق کیفری ماهوی اقداماتی داشته است. قانون گذار از منابع معتبر اسلامی به عنوان منبع الهام استفاده نموده و پاسخی به رفتار تهدیدکننده دسترسی به غذای سالم و کافی داده است. قانون گذار احتکار را جرم انگاری کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته است. لغت احتکار، از

بهای بیش از قیمت مقرر، رابطه اقتصادی میان مردم که همان خرید و فروش است نیز مختل می‌شود (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲۹). ذکر این نکته نیز لازم است که ماده ۵۷ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲، جرم گران‌فروشی را به تخلف تغییر داد و سازمان تعزیرات حکومتی، دارای صلاحیت رسیدگی به این عمل شد.

۳-۳- جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده سلامت مواد غذایی
ماده ۶۸۸ کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، رفتارهای تهدیدکننده بهداشت عمومی را جرم‌انگاری کرده است. به صورت غیربهداشتی دفع نمودن فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، مسموم کردن آب شرب یا توزیع آب آشامیدنی مسموم شده، قراردادن زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، ریختن مواد آلوده در رودخانه‌ها و استعمال غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب در کشاورزی، مواردی از رفتارهای مذکور هستند. حکم فرد مرتکب این جرایم در صورتی که مطابق با قوانین خاص، به مجازات سخت‌تری محکوم نباشد، حبس تا یک سال است. ذکر این نکته لازم است که رفتارهای تهدیدکننده غذای سالم مصادیق دیگری نیز دارد که تنها تعدادی از آن‌ها در ماده بیان شده است.

قاچاق کالای سلامت‌محور، نمونه دیگری از رفتارهای ناقض حق بر غذا است. افرادی که اقدام به قاچاق کالا می‌نمایند، سلامت و بهداشت جامعه را در معرض تهدیدی جدی قرار می‌دهند. اقدامات قاچاقچیان، می‌تواند موجب ایجاد امراض و گاه فوت افراد شود. آن دسته از کالاها که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند، مورد نظارت و کنترل بهداشتی ارگان‌های مربوطه نیستند و صرفاً با هدف کسب سود قاچاقچیان به کشور وارد می‌گردند. این کالاها، محصولات که ارتباط مستقیم با سلامت مردم دارند را نیز دربر می‌گیرند، مانند محصولات حوزه تغذیه، بهداشت، داروها و ... با ورود این قسم از کالاها به کشور و در غیاب نظارت، از باب کنترل استانداردهای لازم، این امر می‌تواند سبب ورود خسارات جبران‌ناپذیر به سلامت جامعه شود. بنابراین تعریف ضمانت اجرا برای قاچاق کالا، یکی از مواردی است که برای حفظ سلامت بهداشتی جامعه ضروری می‌باشد (سیف، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

این عمل، جلوگیری از ورود صدمات و خسارات مادی و معنوی است که عدم رعایت حقوق مصرف‌کننده به دنبال دارد. همچنین مرجعی مشخص می‌نماید که اگر خسارتی رخ داد، به آن مراجعه شود و توسط آن، به آسانی و سرعت خسارت مصرف‌کننده را جبران و متخلف را مجازات نمود (جهانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱۵).

۳-۲- جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده دسترسی اقتصادی و فیزیکی به مواد غذایی
مسئله امنیت غذایی هنگامی حل شده تلقی می‌شود که غذای کافی با کیفیت مطلوب همواره در دسترس مردم باشد. بدیهی است که برای دسترسی مذکور، لازم است خانواده‌ها و اعضای آن، در حد کفایت و تناسب، برای به دست آوردن غذای مغذی منبع داشته باشند. کمبود غذا لزوماً حاصل از کمبود عرضه جهانی غذا نیست. گاه این کمبود منتج شده از برخی رفتارهای تهدیدکننده مانند گران‌فروشی می‌باشد. گران‌فروشی عبارت است از فروش کالا یا خدمت به بهایی بیش از نرخ واقعی یا مطابق آنچه فرهنگ دهخدا می‌نویسد، فروش کالا یا خدمت به قیمتی بیشتر از آنچه که واقعاً ارزش دارند. پیش از تصویب قانون تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۶۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای گران‌فروشی در قوانین ایران تعریفی ارائه نشده بود و صرفاً مواردی از آن بیان شده بود. این کمبود در زمان تصویب قانون تعزیرات حکومتی، مورد توجه مقنن قرار گرفت و برای نخستین بار در ماده ۲ قانون مذکور، گران‌فروشی تعریف شد. متن ماده چنین است: «گران‌فروشی عبارت است از فروش اقلام به قیمتی بالاتر از قیمتی که به وسیله مراجع ذیربط به تصویب رسیده است، همچنین رعایت نمودن قوانین قیمت‌گذاری و بالا بردن قیمت کالا و خدمات، به وسیله هر عملی که این نتیجه را در پی دارد» (شهری، ۱۳۸۴: ۱۵۱۹).

حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان به طرق مختلفی صورت می‌گیرد که یکی از آن‌ها حمایت کیفری یا همان جرم‌انگاری است. گران‌فروشی رفتاری متعارض با حقوق مصرف‌کننده است، بنابراین جرم‌انگاری در این زمینه را باید بنابر حمایت کیفری دانست. گران‌فروشی نتیجه تناقض و عدم تناسب در عرضه و تقاضا می‌باشد. از طرف دیگر با فروش کالایی به

۳-۴- جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده ثبات و پایداری مواد غذایی

تغییرات آب و هوا، تغییرات قیمت‌ها، وقوع بلاهای طبیعی و عوامل اقتصادی و سیاسی، همگی می‌توانند بر پایداری عرضه غذا و دسترسی به آن تأثیر بگذارند. درخصوص پایداری، سه امر مهم وجود دارد: نخست وجود درآمد کافی به‌خصوص میان افراد کم‌درآمد؛ دوم افزایش قابلیت دسترسی به غذا و مصرف آن، یعنی لازم است با افزایش و بهبود تولید، غذای بیشتر و قابل دسترس‌تری فراهم گردد؛ آخرین مورد نیز حفاظت و بهبود منابع طبیعی است. درمقابل رفتارهای تهدیدکننده‌ای وجود دارند که می‌توانند به پایداری صدمه بزنند، مانند احتکار و گران‌فروشی (همتی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰).

۴- سیاست جنایی ایران در قبال امنیت غذایی

در این قسمت به بررسی سیاست جنایی نظام حقوق کیفری ج.ا.ایران در قبال امنیت غذایی خواهیم پرداخت.

۴-۱- عنصر قانونی جرائم مواد غذایی ناسالم و غیراستاندارد

در ایران، وضع قوانین مختلف مربوط به حوزه تغذیه، از دیرباز مورد توجه قانون‌گذار بوده است. در این حوزه، می‌توان به قانون بهداشت شهری مصوب ۱۳۲۹ اشاره نمود؛ این قانون به‌منظور نظارت و کنترل بر اقدامات افراد در حوزه امور پزشکی، دارویی و غذایی وضع گردیده است. یکی دیگر از قوانین مرتبط، قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، مصوب ۱۳۳۴ می‌باشد؛ این قانون ۲۶ ماده دارد و پس از تصویب مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت و هدف از تصویب آن این است که خلأهای قانون بهداشت شهری (۱۳۲۹) را پوشش دهد. گرچه قانون بهداشت شهری، صراحتاً در این قانون، مورد نسخ واقع نگردیده است، لکن در مواردی نسخ ضمنی رخ داده است. درحال حاضر، قانون مواد آشامیدنی، خوردنی، آرایشی و بهداشتی، لازم‌الاجرا بوده و سایر مقررات متعارض با این قانون را نمی‌توان جاری ساخت.

قانون فوق مهم‌ترین مقرره‌ای است که تولید و پخش مواد خوراکی ناظر می‌باشد. می‌توان گفت مقصود مقنن از تقنین

مقررات قانون مذکور، خارج‌ساختن مواد آرایشی، بهداشتی، خوردنی و آشامیدنی از دایره شمول قانون مقررات امور پزشکی و دارویی است. به‌همین دلیل، منطقاً بعضی از مقررات آن با مقررات قانون مقررات امور پزشکی و دارویی همخوانی نداشته و آن‌ها را به‌صورت ضمنی نسخ می‌نماید. این قانون بعد از آنکه در سال ۱۳۴۶ به تصویب رسید، چندین بار مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت، ازجمله مهم‌ترین آن می‌توان به اصلاح ماده ۲ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی در سال ۱۳۴۷، الحاق بند ۶ به ماده ۱ قانون فوق، اصلاح عنوان فصل چهارم قانون به‌موجب ماده ۵ قانون اصلاح بعضی از مواد قانونی مربوط به مقررات امور پزشکی دارویی، مصوب ۱۳۶۷ و ... اشاره کرد.

پس از تصویب قانون مواد خوردنی و آشامیدنی در سال ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی، دیگر قانونی که در زمینه حمایت از تولید مواد غذایی مورد توجه مقنن قرار گرفت، قانون تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی و درمانی، مصوب ۱۳۶۷ بود. قانون فوق شامل ۴۴ ماده در ۴ فصل تدوین شد و به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و همانند سایر قوانین در سال ۱۳۷۳ مورد اصلاح قرار گرفت و مجازات‌های مذکور در آن در مرتبه اول، شامل تذکر کتبی، اخطار و اخذ تعهد کتبی از عداد، مجازات‌های تقلب در مواد خوردنی و ... حذف شده و به‌جای آن مجازات‌های مقرر در مرتبه دوم سابق جای خود را به مرحله اول برای مرتکب جرم داده است. در سال ۱۳۸۲ قانونی توسط مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «قانون نظام صنفی» مورد تصویب قرار گرفت. به‌موجب این قانون تخلفات صنفی در صلاحیت هیأت‌های بدوی یا تجدیدنظر، رسیدگی و طبق مفاد قانون مذکور رأی صادر می‌کنند. هیأت بدوی مذکور متشکل از یکی از سه نفر نمایندگان اداره یا سازمان بازرگانی، مجمع امور صنفی و دادگستری است و هیأت رسیدگی تجدیدنظر در حوزه شهرستان متشکل از رئیس یا یکی از اعضای هیأت ریسه مجمع امور صنفی ذیربط و رئیس دادگستری یا نماینده معرفی شده است که به درخواست شخص معترض رسیدگی و رأی قطعی لازم‌الاجرا صادر می‌کند. در قانون مذکور حدوداً به ۱۷ مورد از تخلفات صنفی که رسیدگی به آن در صلاحیت هیأت بدوی و

تهدید به شمار آید تا بتوان با عنوان این ماده مورد حکم و مجازات گردد.

۴-۲- مصادیق مجرمانه

جرائم مربوط به تولید و توزیع مواد غذایی ناسالم و غیراستاندارد دارای مصادیق متعدد می‌باشد که در قانون مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۴۶ و همچنین سایر قوانین خاص تصریح شده است. در جرائم و تخلفات مربوط به تولید و توزیع مواد غذایی ناسالم و غیراستاندارد، وقوع جرم می‌تواند با فعل و یا ترک فعل محقق شود. در ادامه، هر یک از دو حالت فوق به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱- فعل

وقوع عمل مجرمانه، عموماً با انجام یک فعل مثبت توسط مجرم به وقوع می‌پیوندد. مصادیقی از اعمال مجرمانه مثبت که در اولین ماده قانون مواد خوراکی آشامیدنی و بهداشتی، مصوب ۱۳۴۶ ذکر گردیده است، شامل مواردی نظیر مخلوط نمودن ماده خارجی به جنس به جهت سوءاستفاده، فروختن و یا عرضه نمودن جنس فاسد یا فروختن و عرضه کالایی که تاریخ مصرف آن سپری گشته باشد، عرضه نمودن یا فروختن کالایی به جای کالایی دیگر، استفاده از اسانس‌ها، رنگ‌ها و سایر مشتقات اضافی که مجاز نیستند در مواد خوردنی و ساختن مواد تقلبی غذایی و خوردنی است.

۴-۲-۲- ترک فعل

جرم در صورتی به صورت ترک فعل تحقق می‌یابد که یک فرد، از انجام رفتاری که قانوناً تکلیف وی بوده است، سر باز زند. بند ۳ اولین ماده قانون مواد خوراکی، آشامیدنی و بهداشتی، منظور نمودن استاندارد بهداشتی لازم یا تخطی از فرمول ثبت شده را مصداق وقوع جرم به صورت ترک فعل دانسته است. این جرم در صورتی محقق می‌گردد که تعیین نمودن فرمول و پیروی از آن و تعیین استاندارد و در نظر داشتن آن، قانوناً لازم باشد. نتیجتاً در خصوص تعیین ضمانات اجرا برای متخلفین و مجرمین تولید و توزیع مواد غذایی ناسالم و غیراستاندارد، مطابق قوانین موضوعه یک ضابطه کلی وجود دارد. توجه به نوع آسیب، از جمله مواردی است که قانون‌گذار در جهت تعیین ضمانات اجرای کیفری بدان

تجدید نظر می‌باشد، از قبیل گران‌فروشی، عدم درج قیمت، عدم صدور فاکتور، عدم ارائه کالا، کم‌فروشی و خدمات عرضه خارج از شبکه و ... اشاره شده است.

نکته حائز اهمیت در این قانون به‌ویژه در مورد تخلفات بهداشتی، این است که قوانین سابق همچنان به قوت خودشان باقی هستند و قانون مذکور ناسخ قانون سابق در این خصوص نمی‌باشد. موضوع جرائم و تخلفات مواد غذایی ناسالم و غیراستاندارد به قدری حائز اهمیت می‌باشد که مواد ۱۱۲ تا ۱۱۷ در قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۰ نیز به آن اشاره دارد.

موضوع جالبی که در ارتباط با این بحث وجود دارد، جرم‌انگاری تبلیغ مواد غذایی ناسالم و غیراستاندارد از طریق رسانه و فضای مجازی است. قانون عنوان ممنوعیت تبلیغات و معرفی محصولات و خدمات غیرمجاز و آسیب‌رسان به سلامت در رسانه ارتباط جمعی داخلی و خارجی و فضای مجازی، در سال ۱۳۹۷ تصویب شد. به موجب این قانون، ارائه هرگونه اطلاعات نادرست و تبلیغ خلاف واقع به هر شیوه‌ای و توسط هر رسانه اعم از داخلی، خارجی و مجازی، در خصوص این موارد ممنوع شد: اثرات مصرف مواد و فرآورده‌های دارویی، خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، گیاهی، طبیعی، مکمل و همچنین تجهیزات و ملزومات پزشکی و دندان‌پزشکی و آزمایشگاهی و هرگونه خدمات سلامت که نوعاً گمراهی و فریب مخاطب را موجب شود. حکم مرتکب این جرم حبس یا جزای نقدی درجه ۶ تا ۲ و محرومیت از فعالیت شغلی و اجتماعی مرتبط برای ۲ تا ۵ سال است.

تمامی موارد گفته شده از قوانین خاص مرتبط استخراج شده‌اند، اما قانون‌گذار در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی، به جرائم علیه سلامت جامعه ورود پیدا کرده و جرم‌انگاری صورت گرفته است. از عنوان این ماده مشخص است که هدف آن هرگونه اقدام یا اقداماتی است که علیه بهداشت عمومی تهدید محسوب شود، از جمله عرضه و فروش، مواد غذایی غیربهداشتی، آلوده و تقلبی که بتواند علیه بهداشت عمومی

۴-۵- سیاست جنایی در قبال امنیت غذایی در چارچوب سیاست‌های کلان حوزه کشاورزی

بعضی از تحقیقات صورت گرفته درخصوص ارزیابی میزان شاخص امنیت غذایی در کشورهای مختلف، بیانگر این امر هستند که آن دسته از کشورها که در طبقه‌بندی میزان برخورداری از امنیت غذایی، در رده‌های بالاتر از میانه و بالا قرار دارند، به تأمین غذا از ذخایر داخل کشور اتکا نموده‌اند. این کشورها به‌ویژه به کشاورزی داخلی در جهت اطمینان از وجود غذا کافی، به‌جای در پیش‌گرفتن سیاست خرید و واردات آن از خارج از کشور، اهمیت زیادی می‌دهند. دلیل این امر این است که اگر محصولات غذایی در داخل کشور تأمین شوند، کنترل و خودکفایی در محصولات استراتژیک افزایش می‌یابد. همچنین حرکت در جهت رسیدن به استقلال غذایی، چالش‌های ناشی از خلأ کوتاه‌مدت یا بلندمدت در بازار داخلی را کاهش می‌دهد. بنابراین توسعه زراعت در داخل کشور، مهم‌ترین اقدامی است که باید در جهت فراهم‌نمودن ذخایر غذای داخل کشور بدان توجه شود. علاوه بر آن، استفاده بهینه از صنعت کشاورزی، در جهت افزایش مقدار تولیدات محصولات کشاورزی، به‌وسیله رعایت اعتدال در استفاده از منابع طبیعی، بهره‌گیری از تکنولوژی جدید و به‌روز دنیا برای می‌توان به‌عنوان راهکارهایی برای افزایش میزان امنیت غذایی نام برد.

مقنن با دیدگاهی مشابه، سند بالادستی ملی با عنوان سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی را تصویب نموده است. این سند، با دیدگاهی عقلایی، تأکید زیادی بر توسعه پایدار در حوزه کشاورزی، به‌وسیله صیانت از ذخایر زیست‌محیطی و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی داشته است. در این سند، برخورداری آحاد جامعه از امنیت غذایی را، با تأمین منابع تولیدات داخلی از ذخایر داخل کشور و حرکت در جهت استقلال، اتکا به خود در تأمین کالاهای اساسی، افزایش میزان استاندارد سلامت محصولات غذایی کشور تا معیار بین‌المللی، تصحیح و بهبود بهره‌وری الگوی مصرف و ... مورد توجه قرار داده است (کوشا و قربانی قلعجو، ۱۳۹۵: ۱۱).

توجه کرده است. به‌طور مثال اگر در اثر استعمال مصادیق ذکرشده، مصرف‌کننده به مرض یا صدمه‌ای دچار شود که کمتر از یک‌ماه درمان گردد، مرتکب، به کیفر ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌گردد و در صورتی که زمان درمان بیش از یک‌ماه به طول انجامد، مرتکب باید به یک تا سه‌سال حبس محکوم گردد. عدم نظارت کافی، اعمال نفوذ برخلاف حق، نقایض قانونی، فرهنگ کاری حاکم، تخلفات مراجع ذیربط، نوسانات اقتصادی، رقابت شدید و کسب حریصانه سود ازجمله مهم‌ترین عواملی است که عمده‌تاً وقوع جرائم تولید و توزیع مواد غذایی ناسالم و غیراستاندارد را سبب خواهد شد.

۴-۳- سیاست جنایی در قبال امنیت غذایی در چارچوب قانون اساسی

مقنن در قسمت مقدمه اصل‌های سوم و چهل‌وسوم قانون اساسی، به بحث تغذیه و قسمتی از زیرساخت تحقق امنیت غذایی پرداخته است. عده‌ای از اندیشمندان رشته حقوق در ایران، موارد فوق را به‌عنوان تدابیر حمایت‌کننده از حقوق انسانی و تضمین‌کننده امنیت جانی شناسایی نموده‌اند. علاوه بر آن، اصل ۲۹ قانون اساسی، در جهت تأمین این حقوق مرتبط با امنیت، حق برخورداری از تأمین اجتماعی را برای آحاد جامعه به رسمیت شناخته و تکلیف اطمینان از تأمین آن را برعهده دولت گذاشته است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۸۲).

۴-۴- سیاست جنایی در قبال امنیت غذایی در چارچوب سند چشم‌انداز و سیاست اقتصاد مقاومتی

در سند چشم‌انداز بیست‌ساله در افق ۱۴۰۴ شمسی، ایران به‌عنوان کشوری که از امنیت در حوزه غذا برخوردار می‌باشد، معرفی گشته است. همچنین در جهت حرکت به سمت رویکرد اقتصاد مقاومتی، تأمین امنیت غذایی و درمانی، از اولین اقداماتی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. همچنین در این سند، به آن دسته از الزامات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که مرتبط با امنیت غذایی هستند، پرداخته شده است.

۴-۶- سیاست جنایی درخصوص امنیت غذایی در قالب سیاست‌های کلان زیست‌محیطی

نحوه استفاده از محیط طبیعی در جهت بر خورداری نسل فعلی و آتی از نیازهای لازم، دارای مناسبات بسیار نزدیک با مفهوم امنیت غذایی است. تلاش برای محقق ساختن امنیت غذایی در برخی کشورها، مانند چین، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که برای حاکم شدن امنیت غذایی بر جامعه به صورت پایدار و مستمر، باید ذخایر زیست‌محیطی به صورت بهینه مورد استفاده قرار گیرند. در صورتی که این امر مورد توجه قرار نگیرد، مجدداً در طی زمان، امنیت غذایی حاکم بر کشور به خطر می‌افتد. به همین دلیل است که اسناد مرتبط با سیاست‌های کلان زیست‌محیطی در دنیا با فرهنگ و شرایط بومی نقاط مختلف جهان، ارتباط تنگاتنگ دارد (کوشا و قربانی قلجلو، ۱۳۹۵: ۱۱).

۴-۷- سیاست جنایی درخصوص امنیت غذایی در قالب سیاست‌های کلان و مقررات برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

از اواخر دهه ۷۰ شمسی، سیاست‌های کلان و مقررات برنامه‌های پنج‌ساله سوم تا ششم توسعه کشور، به توسعه ابعاد امنیت غذایی توجه بسیاری دارند. از این رو این سیاست‌ها و قوانین، نمایانگر قصد مقنن بر حمایت کامل از ارکان امنیت غذایی هستند. مهم‌ترین مسائل ذکر شده در این مقررات، آن دسته از مواردی هستند که از طرفی، به تأمین بستر لازم برای تحقق تأمین امنیت غذایی پرداخته و از طرفی دیگر، زمینه تحقق جرم در این حوزه را از بین می‌برند. با رویکرد مضیق دانستن عنوان پیشگیری، این گونه جلوه‌گر می‌گردد که بعضی مقررات تعیین شده، به پیشگیری در جهت از بین بردن یا تعدیل کردن شرایط مساعد برای وقوع جرم، نزدیک می‌باشند (صفاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۰-۱۴۵).

قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ به دنبال تبیین اهداف جدید آموزشی و فرهنگی برای دوام بخشی و تکمیل برنامه‌های حمایتی و پیشگیرانه قبلی و جدید در زنجیره تأمین غذا و عواملی که در تحقق امنیت غذایی فعالیت دارند، بود. برجسته‌سازی بعضی زیرساخت‌های اقتصادی - اجتماعی سلامت فرهنگی و آموزشی هدف دیگر این برنامه قرار

داشت. همچنین برنامه پنجم توسعه به دنبال تأسیس نظام اطلاع‌رسانی با دقت و شفافیت بوده و رشد سواد تغذیه مردم را در نظر گرفته بود. این برنامه به مسأله نظارت نیز توجه نموده و خواستار نظارت‌های ایمنی - بهداشتی بر واردات، صادرات و سایر الزامات امنیت غذایی بود.

فصل سیاسی - امنیتی این قانون، یعنی مواد ۲۰۳ تا ۲۰۹ کوشیده بود که با بیوتروریسم - تروریسم‌زستی مبارزه نماید. امر پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرایم سازمان‌یافته ضد امنیتی و اقدامات تروریستی و تهدیدهای نرم امنیتی بر عهده وزارت اطلاعات گذاشته شده بود، اما این قانون مشارکتی کردن تقویت و تحکیم امنیت پایدار را نیز در این مواد قید کرده بود.

برخلاف برنامه پنجم توسعه، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور به امنیت غذایی به طور مستقیم اشاره نکرده است، البته در سرفصل اجتماعی این قانون به مسأله فرهنگ‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی سلامت و سیاست‌های کلی جمعیت توجه شده که امنیت غذایی و الزامات آن در هر دو سیاست مورد دقت هستند، اما اشاره دقیق‌تر حرکت بهتری بود که مغفول مانده و قابل نقد است.

در جریان تصویب لایحه قانون برنامه ششم توسعه در مجلس، ماده ۳۱ قانون مذکور مصوب اسفند ۱۳۹۵، در بخش هفتم تحت عنوان کشاورزی به موضوع امنیت غذایی اختصاص یافت. مقنن جهت رسیدن به مقاصد ذیل، سیزده اقدام را به دولت تکلیف نمود. رسیدن به اهداف بند ششم و هفتم سیاست کلی اقتصاد مقاومتی و تأمین امنیت غذایی، دستیابی به خودکفایی ۹۵ درصدی در محصولات اساسی زراعی، دامی و آبی در پایان اجرای برنامه ششم، تحقق تراز تجاری مثبت، تقویت و تکمیل زنجیره‌های تولید و توسعه صادرات و ارتقای بهره‌وری آب و خاک، تمامی موارد مذکور دارای نقشی اساسی در تحقق امنیت غذایی پایدار هستند.

در ادامه اهداف و شاخص‌های کمی در حوزه‌های مختلف راهبرد امنیت غذایی به طور سالانه در طول پنج‌ساله برنامه ششم و مقایسه با آخرین وضعیت اهداف کمی در پایان سال

استقرار و روزآمدسازی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی چندلایه (بخش «ج» و «پ» ماده ۸۰) مشهود است.

۴-۸- سیاست جنایی درخصوص امنیت غذایی در قالب قوانین عادی

در چارچوب سیستم قانون‌گذاری ایران، به جزء موارد متعددی که درخصوص خطمشی سیاست‌گذاری کلان بیان گردید، برخی از مقررات عادی غیرکیفری در حوزه تغذیه، بهداشت، ایمنی و ... تقنین گردیده‌اند که شرح آن‌ها در این پژوهش نمی‌گنجد. این دسته از قوانین که بعضاً سابق بر تولد مفهوم جدید امنیت غذایی در سیستم قانون‌گذاری، به تصویب رسیده‌اند، به بیان حقوق جامعه درخصوص این مفهوم و تکالیف دولت و نهادهای ذیربط، برای تعیین برنامه‌های مربوط به این حوزه، پیگیری این برنامه‌ها، نظارت بر حسن اجرای قوانین و ... می‌پردازند. این قوانین همچنین تعیین‌کننده خطمشی دولت، در رابطه با عملکرد آن در این موضوعات، هستند. برای مثال، سازوکارهای مرتبط با اقتصاد مثل کاهش و افزایش مالیات و تعرفه‌ها، تغییر یا ثابت‌نگاه‌داشتن قیمت‌ها، اعمال سازوکارهایی در حوزه تبلیغات، در مورد دسته‌ای خاص از مواد غذایی مثل نوشیدنی‌های قندی و ... (صفاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۰-۱۴۵).

بعد از تحلیل کلی جنبه‌های کلان و منابع اصلی سیاست‌گذاری عمومی در ارتباط با مفهوم امنیت غذایی، در قامت یک عنوان اختصاصی فضای روابط اجتماعی، باید به تحلیل و بررسی جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری در قبال رفتارهای ناقض امنیت غذایی به‌عنوان پدیده جنایی پرداخت (صفاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۰-۱۴۵).

نتیجه‌گیری

رفتارهای تهدیدکننده ناقض امنیت غذایی در چهار زمینه فراهم‌بودن یا تأمین غذای کافی، قابلیت دسترسی اقتصادی و فیزیکی به غذا، قابل استفاده و سالم‌بودن غذا و ثبات غذا و دسترسی به آن در هر زمان، قابل وقوع می‌باشند. نظام حقوقی ایران کوشیده است رفتارهای مذکور را جرم‌انگاری نماید و این امر را به‌وسیله محدودیت‌گذاری در حقوق و آزادی‌های افراد انجام داده است. وضع قوانینی این‌چنینی

۱۳۹۳ شمسی به‌منظور تحقق امنیت غذایی سلامت و غنی‌سازی محصولات کشاورزی و توسعه صنایع کشاورزی در زنجیره‌های عرضه هدف‌گذاری شد. موضوع محصولات تراریخته که بحث پیرامون آن در زمان طرح لایحه در مجلس (نیمه دوم سال ۱۳۹۵) در جامعه و رسانه‌ها بالا گرفته و موافقان و مخالفان جدی پیدا کرده بود، با رویکرد ممنوعیت رهاسازی تولید واردات و مصرف در چارچوب قانون ایمنی - زیستی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۸) و رعایت مقررات ملی و بین‌المللی تقنین گردید. در این خصوص دولت ضمن انجام آزمایشات مواد غذایی و فرآورده‌های غذایی وارداتی موظف به اطلاع‌رسانی این محصولات و خطرهای آن به مردم شد. همچنین برخی تکالیف قوانین برنامه پیشین در قانون برنامه ششم تکرار شد. قوانین مذکور عبارتند از: اعلام فهرست مواد و فرآورده‌های غذایی سالم ایمن و سبب غذایی مطلوب برای گروه‌های سنی مختلف.

در سال اول برنامه و تعیین حد مجاز سموم باقی‌مانده در مواد و فرآورده‌های غذایی توسط وزارت بهداشت با همکاری وزارت جهاد کشاورزی و ممنوعیت عرضه محصولاتی که به‌صورت غیرمجاز از سموم و کودهای شیمیایی استفاده کردند (بند «ت» ماده ۷۲) در حوزه توسعه و ترویج اقتصاد کشاورزی و ارتقای سهم کشاورزی در اقتصاد نیز برنامه‌های آموزشی - حمایتی اقتصادی و توسعه‌ای مبتنی بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی منظور شده است (بندهای «الف» تا «ر» ماده ۳۳).

در حوزه سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی امنیت غذایی در برنامه ششم توسعه تأمین سلامت مادر و کودک و ارتقای شاخص نسبت مرگ مادر و نوزادان (ماده ۷۶) حمایت از اقشار آسیب‌پذیر بالاخص توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (بند «ت» ماده ۸۰) و پرداخت مستمری خانوارهای ایشان متناسب با سطح محرومیت بر مبنای ۲۰ درصد کمترین دستمزد مصوب شورای عالی کار علاوه بر یارانه ماده ۷۹ بهبود کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و ترویج مهاجرت معکوس و ممانعت از توسعه حاشیه‌نشینی و

حمایت کیفری از حق بر غذا و تهدید بالقوه ناقضان این حق می‌باشد.

سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال نقض یا تهدید امنیت غذایی به صورت واحد نمی‌باشد. در ارتباط با این موضوع باید میان حوزه اسناد بالادست و قوانین عادی قائل به تفکیک شویم. در چارچوب اسناد بالادستی، مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز و سیاست اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلان حوزه کشاورزی، سیاست‌های کلان زیست‌محیطی، مقررات برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، سیاست جنایی پیشگیرانه مدنظر قانون‌گذار قرار داشته است، اما در چارچوب قوانین عادی مانند مقررات تعزیرات حکومتی، سیاست واکنشی مدنظر قانون‌گذار قرار گرفته است. علاوه بر این، در رویه قضایی و حمایت‌های پلیسی نیز همین سیاست واکنشی مشهود می‌باشد. درواقع این موضع دوگانه قانون‌گذار با واقعیت‌های جامعه و الگوهای قانون‌گذاری سازگاری بیشتری دارد، زیرا در اسناد بالادستی، هدف قانون‌گذار تنظیم جزئیات روابط افراد نیست، بلکه قانون‌گذار به دنبال شکل‌دادن یک مسیر کلی برای تنظیم و تصویب قوانین جزئی می‌باشد، در نتیجه صرف جواز واکنش برای رفتارهای ناقض یا تهدیدکننده کفایت می‌کند و نوع واکنش و مصداق آن به قوانین عادی ارجاع داده می‌شود، اما در چارچوب قوانین عادی، هدف اصلی، تنظیم روابط جزئی افراد می‌باشد، در نتیجه اتخاذ سیاست واکنشی به صورت مصداقی و موسع، یک سیاست معقول محسوب می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اصغری، محمد (۱۳۷۷). *رشو و احتکار*. چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.

- آقابابایی، حسین (۱۳۸۴). «گفت‌وگو با فقهای و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت». *مجله فقه و حقوق*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۲(۵): ۱۱-۴۲.

- بریسمن، اوی و ساوث، نیکل (۱۳۹۸). «جرم‌شناسی سبز و جرائم و آسیب‌های زیست‌محیطی». ترجمه رستم علی‌اکبری و نادر چمنی، *پژوهشنامه حقوق فارس*، ۲(۵): ۶۶-۹۲.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳). *ترمیم‌آوری حقوق*. چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- خسروی، علیرضا؛ بسامی، مسعود و قاسمی، مسعود (۱۴۰۰). «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال منع خشونت علیه زنان». *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۴(۲): ۲۴۹-۲۶۴.

- دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۲). «رویکردی انتقادی به جرایم زیست‌محیطی فرامرزی». *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۴(۱۵): ۸۳-۱۰۷.

- دانش‌ناری، حمیدرضا و مرادفر، علی (۱۳۹۴). «جرم‌شناسی جهان بوم: رهیافتی نوین در مطالعات جرم‌شناسی بین‌المللی». *مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۶(۲۱): ۵۱-۷۴.

- زارع‌مهدوی، قادر و دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۵). *امنیت بین‌المللی و جرایم زیست‌محیطی*. چاپ اول، تهران: نشر روناس.

- سیف، الله‌مراد (۱۳۸۷). *قاجاق کالا در ایران*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- شاملو، باقر؛ احمدی، اصغر و خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۹۶). «بزه‌دیدة‌شناسی سبز با تأکید بر سیاست کیفری ایران». *پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۰): ۳۷-۶۷.

- مشهدی، علی (۱۳۹۳). «اساسی سازی ماهوی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه». *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۵(۲): ۵۵۹-۵۸۰.

- مندنی، اسالم؛ کونانی، سلمان و انصاری، جمال (۱۳۹۳). *سیاست جنایی: از گفتمان تا برساخت‌هایی ریزومیک شده و ناروا*. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۰). *سیاست کیفری در قلمرو بزه کاری اقتصادی*. تهران: انتشارات میزان.

- وایت، راب (۱۳۹۴). *جرایم زیست محیطی فراملی به سوی جرم شناسی جهان بوم*. ترجمه حمیدرضا دانش ناری، چاپ اول، تهران: نشر روناس.

- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*. تهران: انتشارات میزان.

ب. منابع انگلیسی

- Beirne, P (2014). "Thericide: Naming Animal Killing". *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy*, 3(2): 49-66.

- Bisschop, L & Vande Walle, G (2013). *Environmental Victimization and Conflict Resolution: A Case Study of e-Waste*. In *Emerging Issues in Green Criminology Exploring Power, Justice and Harm*, Edited by Wyatt, T; Walters, R & Westerhuis, D. Basingstoke, UK: Palgrave Macmillan.

- Brisman, A; South, N & Walters, R (2018). "Southernizing Green Criminology: Human Dislocation, Environmental Injustice and Climate Apartheid". *Justice, Power and Resistance*, 2(1): 1-21.

- Hall, M (2011). "Environmental Victims: Challenges for Criminology and Victimology in the 21st Century". *Journal of Criminal Justice and Security*, 13(4): 371-391.

- Lie, M & Sollund, R (2017). *Specieism and Thericide*. Edited by Brisman, A; Carrabine, E & South, N. The Routledge Companion to Criminological Theory and Concepts, Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

- شهری، غلامرضا؛ گودرزی، حمیدرضا؛ رحیمی اصفهانی، عباسعلی؛ تحصیلدوست، فریدون و صمدی اهری، محمدهاشم (۱۳۸۴). *مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، به انضمام: نظریه های تفسیری شورای نگهبان، آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، بخشنامه های قوه قضاییه*. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور.

- صدر، کاظم (۱۳۶۲). *احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد*. چاپ اول، قم: انتشارات ۲۲ بهمن.

- صفاری، علی و صابری، راضیه (۱۳۹۳). «ضوابط حقوقی - جرم شناختی پیشگیری وضعی از جرم». *آموزه های حقوق کیفری*، ۱۱(۸): ۱۴۵-۱۸۰.

- عظیمی زاده اردبیلی، فایزه و حسابی، ساره (۱۳۹۰). «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن». *فصلنامه تعالی حقوق*، ۴(۱۵): ۱۱۳-۱۳۳.

- عظیمی زاده اردبیلی، فائزه و ریاضت، زینب (۱۳۹۴). «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم علیه زوجه در خانواده». *فصلنامه فقه و حقوق خانواده*، ۲۰(۶۳): ۴۳-۶۷.

- کوشا، جعفر و دهقانی سانچ، محمدرضا (۱۳۹۶). «سیاست جنایی در جرایم اقتصادی». *فصلنامه دانش حقوق و مالیه*، ۱۱(۲): ۸۵-۱۰۱.

- کوشا، جعفر و قربانی قلجلو، مهدی (۱۳۹۷). «سیاست جنایی ایران در قبال رفتارهای ناقض امنیت غذایی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۲(۱۰۲): ۱۲۹-۱۶۰.

- گرجی فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵). *جرم شناسی سبز*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- مشکاتی، رضا؛ کاظمی، قباد و جعفری، محمدجواد (۱۳۹۶). «رویکرد بازدارنده سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم علیه امنیت». *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل*، ۱۰(۳۸): ۲۸۹-۳۱۳.

- Skinnider, E (2013). *Effect, Issues and Challenges for Victims of Crimes that have a Significant Impact on the Environment*. Ottawa, Ontario: International Centre for Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy.
- Stretesky, P & Lynch, M (2009). "Does Self-Policing Reduce Chemical Emissions?". *The Social Science Journal*, 46(3): 459-473.
- Walters, R (2007). *Crime, Regulation and Radioactive Waste in the United Kingdom*. Edited by Beirne, P & South, N. Issues in Green Criminology, Confronting Harms against Environments, Humanity and Other Animals, Portland: Willan Publishing.
- White, R (2013). *Environmental Harm: An Eco-Justice Perspective*. Bristol, UK: Policy Press.
- Williams, C (2009). *An Environmental Victimology*. Edited by White, R. Environmental crime: A reader, Cullompton: Willan Publishing.